

## از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تا گروگانگیری آبان ۱۳۵۸

یادداشت دکتر ابراهیم یزدی در روزنامه اعتماد ملی

۱۳ آبان ۱۳۸۶

آیا میان گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا در آبان ۱۳۵۸ توسط دانشجویان معروف به خط امام با کودتای نظامی آمریکا و انگلیس در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ارتباطی وجود دارد؟

اگر چنین است چه نوع ارتباطی و یا شباهتی؟

۱- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اولین عملیات سازمان سیاسی آمریکا از این نوع، بعد از جنگ جهانی دوم و دخالت مستقیم دو دولت آمریکا و انگلیس، هر دو از اعضای سازمان ملل متحد، در امور داخلی یک عضو دیگر این سازمان و نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد محسوب می شود.

۲- کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به منظور سرنگون کردن دولت دکتر مصدق و روی کار آوردن یک دولت همراه و مطیع و مجری سیاست های آنان به اجرا گذاشته شد، و دو هدف اصلی آن عبارت بودند از: اول دسترسی مجدد شرکت های نفتی غربی، به منابع نفتی ایران و دوم پیوستن ایران به پیمان نظامی بغداد (که بعد ها به "سنتو-یا مرکزی"، معروف شد). کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ - به اهداف استراتژیک خود نایل آمد.

۳- کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، یک شکست تاریخی برای جنبش ملی ایران محسوب می شود، که در اثر آن فرایند دموکراسی در ایران در مرحله جنینی متوقف گردید. در جنبش ملی، برای اولین بار دولتی برسرکار آمد که عمیقا به مصالح و منافع ملی متعهد بود، شکاف میان دولت و ملت یا از بین رفته بود یا بطور چشمگیری کاهش پیدا کرده بود؛ مردم نسبت به دولت احساس تعلق و دلبستگی پیدا کرده بودند. نام ایران و دکتر مصدق در همه جا با احترام یاد می شد و ایرانیان احساس سربلندی می کردند. پیروزی بزرگ ملت ایران در ملی کردن صنعت نفت و قطع نفوذ استثمار انگلیس از ایران بدون خشونت، بدون اعمال قوه قهریه بدست آمد. یک احساس غرور ملی در میان تمام قشر های جامعه، بروز و ظهور خارجی پیدا کرده بود. مهمترین پیامد کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ وارد ساختن آسیب جدی و عمیق بر احساس غرور ملی ایرانیان بود. اقدام به خودکشی برخی از عناصر ملی، که برجسته ترین آن ها خودکشی دکتر زیرک زاده و دکتر شریف الدین بود، عمق این آسیب - روانشناختی را نشان می دهد. حوادث بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، محاکمه دکتر مصدق و یارانش، سرکوب فعالان سیاسی، بازداشت های گسترده، و کشتار مکرر، آسیب ناشی از کودتا را در روان جمعی جامعه ما عمیق تر ساخت. بازتاب یا پیامد های اجتماعی - سیاسی این غرور ملی آسیب دیده، کینه و نفرت گسترده و مداوم دو بعدی مردم ایران بود. این کینه و نفرت در یک بعد متوجه عوامل داخلی کودتا، شاه و دولت های دوره ۲۵ ساله بعد از آن و بعد دیگر متوجه دولت های آمریکا و انگلیس بود، که طی این دوره در ایران فعال مایشاء بودند. از طرف دیگر، طی ۲۵ سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد

۳۲، حکومت ایران، شاه و دولت منصوب وی، و دولت های آمریکا و انگلیس هیچ تلاشی جدی و موثر برای کنار آمدن با مردم و ترمیم آسیب ها و ارائه خدمات و جلب رضایت ملت انجام ندادند. ناکامی حکومت شاه در بر نامه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز مزید بر علت شد. انقلاب اسلامی ایران انفجار و تراکم استمرار این وضعیت بود. بعد از پیروزی انقلاب و سقوط استبداد سلطنتی، آن احساس آسیب دیده غرور ملی ناگهان به صورت موضع گیری های شدید علیه آمریکا (بیشتر) و انگلیس (خیلی کمتر) بروز و ظهور پیدا کرد، که در نهایت، سفر شاه به آمریکا، بهانه شد و به اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری منجر گردید.

اگر آن زمینه های تاریخی و آن زخم عمیق در غرور ملی ناشی از شکست جنبش ملی و پیروزی کودتا نبود و یا اگر مسئولان و حاکمان نظام سلطنتی، راه آشتی با ملت را انتخاب کرده بودند حتی اگر انقلاب هم رخ می داد، بعد از انقلاب گروگانگیری یا انجام نمی شد و یا برغم تبلیغات گروه های چپ سنتی، مورد حمایت قشر های مردم و یا حتی بخشی از حاکمان جدید جمهوری اسلامی قرار نمی گرفت.

۴- اشغال سفارت آمریکا در ایران و گروگانگیری در سال ۱۳۵۸، نظیر کودتای نظامی در سال ۱۳۳۲ تخلف آشکار ایران از معاهدات بین المللی بود. ایران به عنوان عضو سازمان ملل متحد این معاهدات را امضاء و به رعایت آنها متعهد شده بود. به موجب این معاهدات امنیت دیپلمات ها و سفارت خانه های خارجی بر عهده دولت میزبان است. تلاش دولت موقت این بود که تعهد خود را به این معاهدات نشان دهد. تصمیم گیرندگان ایران، رهبری و شورای انقلاب می توانستند، و حق داشتند در اعتراض به سفر شاه به آمریکا از دولت بخواهند که روابط ایران با آمریکا را قطع کند، یا سفارت آن ها را تعطیل و کلیه کارمندان آن را اخراج نمایند، که نخواستند. اما نمی توانستند و نباید اشغال سفارت و گروگانگیری را تایید می نمودند. ادامه اشغال سفارت و گروگانگیری و رفتار موهن با آن ها، و آتش زدن پرچم آمریکا و نظایر این، از یک طرف و عدم موفقیت بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی دنیا در آزادی شهروندانش، موجب یک آسیب جدی و عمیق به غرور جمعی مردم آمریکا شد و آسیبی را که بر اثر شکست ارتش آمریکا در جنگ ویتنام بر بالندگی و غرور مردم آمریکا بوجود آمده بود، عمیق تر ساخت.

۵- اما اگر گروگانگیری، در مقایسه با کودتا و بر خلاف آن، به اهداف خود نایل نشد. گروگانگیری اگر چه یک انگیزه یا زمینه های روانشناختی و اجتماعی - سیاسی داشت و بهانه آن سفر شاه به آمریکا و هدف فوری آن تحویل شاه و انتقال سر مایه های وی به ایران بود، دستاورد مطلوب مشهود یا ملموسی برای ایران نداشت. بلکه هزینه های بسیار سنگینی برای کشورمان در پی داشت. واکنش ایران به شکست جنبش ملی و کودتای ۲۸ مرداد، قابل فهم و درک است اما خودزنی برای آسیب زدن به غرور ملی مردم آمریکا یا اعتبار قدرت آمریکا در دنیا، توجیه عقلانی و منطقی ندارد. اگر گروگانگیری صورت نمی گرفت و یا بعد از دو سه روز گروگان ها آزاد می شدند و اشغال سفارت پایان می یافت، ایران دچار پیامد های سوء آن نظیر حمله عراق به ایران نمی شد. پیامد هایی که هم چنان سایه سنگین خود را بر روابط ایران و آمریکا حفظ کرده است و بخشی از سیاست های کینه توزانه دولت آمریکا متأثر از آن است.

۶- گروگانگیری در ایران ابعاد و پیامدهای دیگری هم داشته است که در یک بازنگری تاریخی ، توجه به آن ها می تواند برای نسل جدید و جوان بسیار آموزنده باشد . به عنوان نمونه :

۱/۶- چرا برغم آنکه در گزارش های سفارت آمریکا از تهران به واشنگتن پیش بینی شده بود که اگر به شاه اجازه سفر و ورود به آمریکا داده شود ، بار دیگر به سفارت آمریکا در تهران حمله خواهد شد؟ و گروگانگیری صورت خواهد گرفت ، به شاه روایتید سفر به آمریکا داده شد ؟  
چه نهاد ها و نیرو هایی در آمریکا از گروگانگیری سود بردند ؟

۲/۶- دانشجویان خط امامی عموماً گفته اند که برنامه اولیه آن ها اشغال سفارت آمریکا در تهران برای مدت دو یا سه روز بود اما ، چه نهادها و سازمان ها و عناصری مانع تخلیه سفارت آمریکا و آزادی گروگان ها شدند و آن ها را برای ۴۴۴ روز نگهداشتند ؟ ادامه گروگانگیری از علل کلیدی عدم انتخاب کارتر برای بار دوم به ریاست جمهوری آمریکا محسوب می شود ؟ چه نیرو هایی در آمریکا و خاورمیانه با انتخاب بار دوم کارتر مخالف بودند ، و ارتباط آن با صلح خاورمیانه چه بود ؟

۳/۶- حضور و نقش فعال ارتش آمریکا در جنگ ویتنام موجب شکل گیری جنبش ضد جنگ در آمریکا و ظهور جنبش های اجتماعی (ضد فرهنگ counterculture) و در نهایت یک جنبش آگاهی بخش سیاسی - اجتماعی و فرهنگی علیه نهاد ها و گروههای ویژه در آمریکا گردید . این جنبش ، برای اولین بار در خود آمریکا ، ملت آمریکا را در برابر دولت آن کشور قرار داده بود . استمرار این جنبش و تقویت آن ، نه تنها بر عملکرد دولت آمریکا در داخل آن کشور اثر گذار می گذاشت ، بلکه بر عملکرد این دولت در صحنه خارجی ، بخصوص در کشور های جهان سوم می توانست تاثیر مهمی داشته باشد . گروگانگیری در ایران نه تنها این جنبش را در مراحل اولیه از بین برد ، بلکه به پیدایش و تقویت یک جریان افراطی دست راستی کمک کرد که از درون آن ریگان انتخاب شد . در سفری که نوام چامسکی ، احمد اقبال ، و ریچارد فالک در سال ۱۳۵۹ ، بعد از گروگانگیری به ایران داشتند ، و با شخصیت های متنفذ شورای انقلاب نیز دیدار داشتند ، توجه آنان را به پیامد های سوء گروگانگیری بر جنبش جدید آمریکا جلب کرده بودند و این که حفظ و رشد این جنبش در آمریکا تا چه حد به نفع ملت های جهان سوم می باشد .

۴/۶- و بالاخره گروگانگیری و ادامه آن زیر پوشش یک شعار به ظاهر بسیار چپ و ضد امپریالیستی توانست تمام نیرو های چپ و افراطی را به نفع تقویت اقتدار یک جریان دست راستی در نظام جمهوری اسلامی بسیج نماید .  
فاعتبر و ایا اولی الا بصار